

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه نوح

استاد ضرابی

جلسه ششم ۸/۱۰/۱۴۰۱

آیات شریفه: «قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱) وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا (۲۲) وَقَالُوا لَا تَنْزُرُنَا آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳) - نوح گفت: پروردگار! آنان از من نافرمانی کردند و از کسانی [چون سردمداران کفر و متولیان بتخانه] پیروی نمودند که اموال و فرزندانسان جز خسارت و زیانی بر آنان نیفزود! (۲۱) و [این پیشوایان گمراهی، برای گمراه نگاه داشتن این مردم] نیرنگی بزرگ به کار گرفتند، (۲۲) و گفتند: دست از معبودانتان بر ندارید، و هرگز [بت های] وَدَّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید. (۲۳)»

عنوان: درازدستی شیطان از دل سیاهی ماست!

«قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا» فرمان بردن از فرستاده الهی، فرمان بردن از پروردگان جهانیان است. «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، (نساء/۸۰) و ثمره نافرمانی از فرستاده الهی خلود در آتش. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا - و هر کس نافرمانی خدا و پیامبرش را نماید و از مرزهای الهی تجاوز کند او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند. (نساء/۱۴) چرا که اعراض از ولایت خداوند به معنای داخل شدن در ولایت شیطان است «... فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ...» پس شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست و امروز او ولی و سرپرستشان است...» (نحل/۶۳) و شیطان مأذون است که در اموال و اولاد آنان که از خدا و رسول او پیروی نمی کنند، سهمی باشد؛ «وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمُ بِخِيلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» و هر که را توانستی با آواز خود تحریک کن و به لغزش افکن، و با جمله لشکر سوار و پیاده ات بر آنها بتاز و در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به آنها وعده (های دروغ و فریبنده) بده، و (ای بندگان بدانید که) وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود» (اسراء/۶۴) حضرت نوح (ع) عرضه می دارد: «پروردگار! آنان از من نافرمانی کردند و از کسانی [چون سردمداران کفر و متولیان بتخانه] پیروی نمودند که اموال و فرزندانسان جز خسارت و زیانی بر آنان نیفزود!»

لاجرم ملعون و نافرمان شدم	گر فرشته بودم شیطان شدم
آنکه اول حور را هم خوابه کرد	این زمانش دیو در گرمابه کرد
پای تا سر عین حسرت گشته ام	در همه آفاق عبرت گشته ام

در قرآن کریم می خوانیم «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش هستند و [برای کسانی که از عهده امتحان بر آیند،] پاداشی بزرگ نزد خدا است. (انفال/۲۸) شاید علت این تعبیر نسبت به مال و فرزند به خاطر تهدیدها و فرصت هایی باشد که مال و اموال و فرزندان برای انسان دارند؛ از جمله این که: در صورت دوری انسان از خدا، مال و فرزند به او سودی نمی رساند: «لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا...» هرگز اموال و اولادشان، آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند. (مجادله/۱۷) و اگر انسان توجه کافی نداشته باشد، مال و فرزند او را از یاد خدا دور می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ-ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندانسان شما را از یاد خدا غافل

نکند» (منافقون/ ۹) و نیز گاه مال و فرزند زیاد وسیله‌ای برای فخر فروشی بر دیگران قرار می‌گیرد: «و تَكَثُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ- همانا دنیا مایه ... و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است» (حدید/ ۲۰) اما در مقابل؛ آیاتی وجود فرزند را به عنوان نعمتی الهی یاد می‌کند، «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ- و خدا از جنس خودتان برای شما جفتهایی آفرید و از آن جفتهای پسران و دختران و دامادان و نوادگان برای شما خلق فرمود، و از نعمت‌های پاکیزه لذت روزی داد؛ آیا مردم باز به باطل می‌گروند و به نعمت خدا کافر می‌شوند؟!» (نحل/ ۷۲) و یا از فرزند به عنوان بشارتی برای پدر و مادر یاد کرده است، «و أَمْرًا تُهْتَفَى بِهِ فَتُحْيَتُ فَيَسُرُّنَهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ - و همسرش ایستاده بود، [از خوشحالی] خندید؛ پس او را به اسحاق و بعد از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم» (هود/ ۷۱) و دیگر آیات در این زمینه که پیامبر صلی الله علیه و آله در اهمیت افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان می‌فرماید: «تَنَاجَوْا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ- ازدواج و تولید نسل کنید و زیاد شوید که من در روز قیامت به شما مباحثات می‌کنم؛ حتی به طفلی که سقط شده باشد.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۹) امام سجاد علیه السلام فرمود: «مَنْ سَعَادَهُ الرَّجُلُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ- از خوشبختی مرد این است که فرزندی داشته باشد که یاورش باشند.» (الكافی، ج ۶، ص ۲)

پسر چون پدر نازکش پرورد	بسا روزگارا که سختی برد
گرش دوست داری به نازش مدار	خردمند و پرهیزگارش برآر
به نیک و بدش وعده و بیم کن	به خردی درش زجر و تعلیم کن
نبیند، جفا ببند از روزگار	هر آن طفل کو جور آموزگار

عنوان: این بت بشکن تا شودت دوست پدید

«وَمَكْرُوهًا مَكْرًا كَبِيرًا* وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا* وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» اگر بخواهیم بدانیم این مکر چه بود؟ (مکری شیطانی که در هر دوره‌ای با مظاهر جدیدی گروه‌گیری را به دام خود گرفتار می‌سازد)، به این روایت از امام صادق (علیه السلام) توجه کنید: «ودّ، سواع، یغوث، یعوق، و نسر، [در زمان حضرت نوح (علیه السلام)] بندگان بودند که خداوند متعال را عبادت می‌نمودند، و وقتی از دنیا رفتند، طایفه و قبیله آن‌ها غمگین و افسرده شدند. و ضجّه و زاری نمودند و سخت گریستند شیطان (لعنة الله علیه- که دشمن سعادت و تقوی و عبادت بشر است وقت را غنیمت شمرد و) به نزد ایشان آمد و گفت: «فَجَاءَهُمْ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ فَقَالَ لَهُمْ اتَّخِذْ لَكُمْ أَصْنَامًا عَلَى صُورِهِمْ فَنَنْظُرُونَ إِلَيْهِمْ وَ تَأْتِسُونَ بِهِمْ وَ تَعْبُدُونَ اللَّهَ- من برای شما بت‌هایی شبیه آن‌ها می‌سازم تا به آن‌ها انس بگیرید و آرام شوید و بتوانید خدا را عبادت نمایید- [آن مردم جاهل قبول کردند و] شیطان بت‌هایی شبیه به، ودّ، سواع، یغوث، یعوق و نسر، ساخت و آن مردم هنگام عبادت [به دستور شیطان بت‌ها را] مقابل خود می‌گذاشتند، هنگامی‌که فصل زمستان و بارندگی شد [و از ترس سردی هوا به خانه‌های خود رفتند] آن بت‌ها را هم به اطاق‌ها بردند و این رویه را داشتند تا مردند. و زمان فرزندان‌شان که شد گفتند: «پدران ما این‌ها را عبادت می‌نمودند و ما هم باید [از پدران خود پیروی نماییم و این بت‌ها را] عبادت کنیم». [و رفته رفته بت‌پرستی رواج یافت و شروع گردید] و آیه: وَ لَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لَا سُوَاعًا وَ لَا يَغُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسْرًا، اشاره به همین مطلب است.» (بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۵۰)

این روایت نشان می‌دهد که اگر مراقب نباشیم، شیطان از علاقه‌های انسان حتی علاقه به ارزش‌های انسانی و عبادت‌های فردی و اجتماعی بت‌هایی می‌سازد و بجای پرستش خداوند تحویل ما می‌دهد که جز مخلصین از مکر او در امان نمی‌مانند. بی‌خود نیست که می‌بینیم گاهی سردارانی از اسلام که از سابقین شمرده می‌شوند در تله شیطان بزرگ می‌افتند. از این رو اگر با بصیرت نگاه نافذی به

اطراف خود بیفکنیم. کمتر تلاشی را بدون آلودگی به فریب شیطان، خواهیم یافت. «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» - و بیشتر آن‌ها به خدا ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه ایمان خود را با شرك آلوده می‌کنند. (یوسف/۱۰۶)

خواستم بر کنم از کعبه دل، هر چه بت است
تا بر دوست مکرّم شوم؛ اما نشدم
آرزوها همه در گور شد ای نفس خبیث
در دلم بود که آدم شوم؛ اما نشدم

در توضیح این آیه. «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» امام باقر (علیه السلام) فرمود: «شِرْكُ طَاعَةِ لَيْسَ شِرْكٌ عِبَادَةٍ وَ الْمَعَاصِي الَّتِي يَرْتَكِبُونَ فَهِيَ شِرْكٌ طَاعَةِ أَطَاعُوا فِيهَا الشَّيْطَانَ فَأَشْرَكُوا بِاللَّهِ فِي الطَّاعَةِ لِغَيْرِهِ وَ لَيْسَ بِإِشْرَاكِ عِبَادَةٍ أَنْ يُعْبُدُوا غَيْرَ اللَّهِ» - مقصود، شرک در اطاعت است، نه در عبادت؛ و گناهانی که مرتکب می‌شوند، شرک طاعت است؛ یعنی با انجام دادن گناه، از شیطان اطاعت کردند و چون از غیر خدا اطاعت کردند، به خداوند شرک ورزیدند. مقصود، شرک در عبادت نیست که غیر خدا را بپرستند (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۶) «ابوبصیر و اسحاق بن عمار نیز از امام صادق (علیه السلام) در توضیح این آیه روایت کرده‌اند که: «... يُطِيعُ الشَّيْطَانَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ فَيُشْرِكُ» منظور آن است که به گونه‌ای از شیطان اطاعت می‌کنند که خود نیز متوجه نمی‌شوند و در نتیجه شرک می‌ورزند» (الکافی، ج ۲، ص ۳۹۷)

اما اگر شرک در طاعت گسترش پیدا کند به شرک در عبادت منجر می‌شود؛ بی‌جهت نیست که امام صادق (علیه السلام) در زمان ابوالعباس سفاح نخستین خلیفه عباسی، به مفضل بن عمر فرمود: «... پایین بیا که اینجا مسجد اول کوفه بوده است که آدم (علیه السلام) [نقشه] آن را رسم کرده بود ... سخن امام صادق (علیه السلام) در وقت زوال خورشید قطع شد. پس برخاسته و نماز ظهر و سپس عصر را به جای آورد. سپس از مسجد بیرون آمد، پس به سمت چپ خویش توجه نموده (که در محل خانه ابن حکیم، که همان فرات کنونی می‌باشد) به من فرمود: «ای مفضل، بت‌های قوم نوح: یغوث، یعوق و نسر در اینجا نصب شدند».

تاکید و تذکر امام (ع) به ماجرای بتان زمان نوح نبی (ع) به ما هشدار می‌دهد که این تنها حادثه‌ای در گذشته‌های دور تاریخ بشر نبوده است بلکه خطری است که همیشه انسان را تهدید می‌کند. با این تفاوت که بت‌هایی که به رقابت با خدا می‌پردازند و انسان را به سوی خود می‌خوانند دیگر از سنگ و چوب نیستند. جلوه‌گری این بت‌ها و شکل آن برای هر کسی و در هر زمان و مکانی متفاوت است ولی وجه مشترک همه آن‌ها این است که می‌خواهند انسان را به جای پرستش خدا به پرستش و اطاعت خود بکشانند. این بت‌ها گاهی فرعون‌ها ی هر عصر، گاهی شهوت و غضب، گاهی تکنولوژی گاهی قدرت نظامی گاهی قدرت اقتصادی، گاهی همسر گاهی فرزند گاهی خانه، گاهی رفاه گاهی تفریح و عیاشی و خوشگذرانی، گاهی دموکراسی گاهی آزادی و ... است.

عالم و حوزه خود، صوفی و خلوت‌گه خویش
ما و کوی بت حیرت‌زده خانه به دوش
از در مدرسه و دیر و خرابات شدم
تا شوم بر در میعادگش حلقه به گوش

عنوان: در هر چه بنگری، رخ او جلوه‌گر بُود!

حضرت علی (علیه السلام) راه پیشگیری از نفوذ بت‌ها را «عظمت یافتن خدا در درون انسان» می‌داند. «عَظَمَ الْخَالِقَ عِنْدَكَ يُصَغَّرُ الْمَخْلُوقُ فِي عَيْنِكَ» - بزرگی و عظمت خالق نزد تو، موجب کوچکی مخلوق در چشمت می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۹)

اگر در وجودمان عظمت پروردگار را درک کنیم و او را حاکم بر دل و جان خویش و همه موجودات ببینیم، بت‌ها در نگاه ما حقیر و بی ارزش شده، سرنگون می‌شوند و دیگر مجالی برای نفوذ آن‌ها در دل باقی نمی‌ماند. امام علی (علیه السلام) در بخشی از خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «[او بزرگ است] اما نه به این معنا که حد و مرز جسمش طولانی است، [او با عظمت است] اما نه به این

معنا که ابعاد جسمانی فوق العاده بزرگ دارد؛ بلکه شأن و مقامش بزرگ و والاست و سلطه اش با عظمت! -لَيْسَ بِذِي كِبَرٍ اِمْتَدَّتْ بِه النِّهَايَاتُ فَكَبَّرَتْهُ تَجَسِّمًا، وَ لَا بِذِي عَظَمٍ تَنَاهَتْ بِه الْغَايَاتُ فَعَظَّمَتْهُ تَجَسِّدًا؛ بَلْ كَبُرَ شَأْنًا، وَ عَظُمَ سُلْطَانًا». شخصی در حضور امام صادق (علیه السلام) گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، امام (علیه السلام) از او پرسید: خدا از چه چیز بزرگتر است؟ عرض کرد: «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» -از همه چیز» امام (علیه السلام) فرمود: در این صورت خدا را محدود [به زمان و مکان] ساختی. آن مرد عرض کرد: پس چه بگویم؟ فرمود: «بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ» (کافی، ج ۱، ص ۱۱۷). در قرآن کریم می خوانیم: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» -منزه است خداوند از آنچه توصیف می کنند مگر بندگان مخلص خدا [که او را به آنچه شایسته است وصف می کنند]» (صافات/ آیات ۱۵۹ و ۱۶۰)

غافل از هر دو جهان، کی به هوای من و ماست؟
به در عشق فرود آی که آن قبله نماست

فارغ از ما و من است آنکه به کوی تو خزید
بر کن این خرقة آلوده و این بت بشکن

امام رضا (علیه السلام) فرمود: گفتم لطیف است، چون هم موجودات لطیف را آفریده و هم به چیزهای ظریف و ریز آگاهی دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان ظریف و غیر ظریف و در پیکرهای ظریف و ریز جاندارانی چون کک و پشه و کوچک تر از اینها را نمی بینی که تقریباً به چشم دیده نمی شوند و از بس ریزند نر و ماده آنها و نوزاد و کهن زادشان از یکدیگر تشخیص داده نمی شوند. پس چون ریزی و ظرافت این چیزها را دیدیم... پی بردیم که آفریننده این موجودات نیز لطیف است. (التوحید، صدوق، ص ۶۳) «امام صادق علیه السلام فرمود: در پاسخ ابن ابی العوجاء که پرسید: چرا خداوند خود را از مردم در پرده داشت و آن گاه پیامبران را سوبیشان فرستاد؟ فرمودند: وای بر تو کسی که قدرتش را در وجود تو نشانت داده چگونه خود را از تو پوشیده داشته است؟ تو را که نبودی پدید آورد، کوچک بودی بزرگت کرد، ناتوان بودی توانایت گردانید... حضرت پیوسته مظاهر قدرت خدا را که در وجود من است و نمی توانم منکرشان شوم برابم برشمرد تا جایی که خیال کردم بزودی خداوند میان من و او ظاهر خواهد شد.» (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۱، ص ۷۵ - التوحید، صدوق، ص ۱۲۷) امام علی (علیه السلام): «شمار قطره های آب ها و ستارگان آسمان و ذرات گردوغبار پراکنده در هوا و حرکت مورچه بر سنگ بزرگ و خوابگاه مورچگان در شب تاریک بر او پوشیده نیست و محل ریزش برگ ها و بر هم خوردن پلک ها را می داند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸) و نیز فرمود: «خدا داناست به هر رازی که مردم در دل نهان داشته اند، و به نجوای آهسته رازگویان و به هر گمان که در خاطری نهفته است و به هر تصمیمی که از روی یقین گرفته شود.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱) و سپس حاصل خداشناسی را چنین بیان می دارد: «خداشناس ترین مردم پر درخواست ترین آنها از خداست.» (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۹۲، ح ۳۷۳۴) و فرمود: «کسی که خدای سبحان را می شناسد، شایسته است دلش از بیم و امید به او خالی نباشد....» (غررالحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۱۰۹۲۶)

با چشم منی جمال او نتوان دید
با گوش تویی نغمه او کس نشنید
این ما و تویی مایه کوری و کری است
این بت بشکن تا شودت دوست پدید

وصلی الله علی محمد وآله